





پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته روانشناسی عمومی

گروه روانشناسی

عنوان پایان نامه:

"تأثیر آموزش مهارت های حل مسأله بر سبک های تصمیم گیری و

تغییر راهبردهای مقابله ای در والدین کودکان کم توان ذهنی"

استاد راهنما:

دکتر حسین زارع

استاد مشاور:

دکتر مهدی دهستانی

پژوهشگر:

پریسا شیخ بهائی

پاییز ۱۳۹۳

تقدیم به پدر، مادر و همسر عزیزم؛

که همواره حامی ام بوده اند و محبت‌ها

و دعای خیرشان همواره شامل حال من بوده است.

سپاسگزاری:

منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید مفرح ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب. باران رحمت بی‌نصیبش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده.

اکنون که این پژوهش به انجام رسیده از باب حدیث " من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق"، بر خود لازم می‌دانم از استاد راهنمای بزرگوارم دکتر حسین زارع که زحمت راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده گرفتند و با دقت و حوصله اینجانب را در تهیه و تدوین این پژوهش یاری کرده و افق‌های جدیدی در برابر دیدگانم گشودند، قدردانی کنم. همچنین تشکر خود را از استاد مشاور گرامی‌ام دکتر مهدی دهستانی به پاس همراهی بی‌دریغ و هم‌فکری‌های سودمندشان در مشاوره پایان‌نامه، ابراز می‌دارم. همچنین از مسئولین گرانقدر اداره آموزش و پرورش استثنائی تهران، والدین گرامی کودکان استثنائی و مدیران محترم مدارس پیروزی و نیکان به علت همکاری‌های صمیمانه‌شان، تشکر و قدردانی ویژه بعمل می‌آید.

چکیده

این مطالعه به منظور بررسی تاثیر آموزش مهارت های حل مسأله بر سبک های تصمیم گیری و تغییر راهبردهای مقابله ای در والدین کودکان کم توان ذهنی صورت گرفته است. ۶۰ نفر از والدین کودکان کم توان ذهنی پسر شهر تهران به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۳۰ نفر) و کنترل (۳۰ نفر) قرار گرفتند. طرح مورد استفاده پژوهش، طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل بوده است. گروه آزمایش به مدت ۷ جلسه تحت آموزش مهارت های حل مسأله قرار گرفتند و از پرسشنامه راهبردهای مقابله ای لازاروس و پرسشنامه سبک های تصمیم گیری عمومی اسکات و بروس به عنوان ابزار پژوهش استفاده شد. در پایان داده های به دست آمده از طریق آزمون تحلیل کواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نتایج نشان داد که آموزش مهارت های حل مسأله بر سبک های تصمیم گیری و تغییر راهبردهای مقابله ای والدین کودکان کم توان ذهنی اثر گذار ($p < 0/05$) می باشد.

کلیدواژه ها: مهارت حل مسأله، سبک های تصمیم گیری، راهبرد های مقابله ای، والدین، کودکان کم توان ذهنی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات تحقیق
۱-۱-۱	مقدمه..... ۲
۱-۲-۱	بیان مسأله تحقیق..... ۴
۱-۳-۱	اهمیت و ضرورت تحقیق..... ۷
۱-۴-۱	هدف های تحقیق..... ۸
۱-۵-۱	سوال های تحقیق..... ۸
۱-۶-۱	فرضیه های تحقیق..... ۹
۱-۷-۱	مدل تحقیق..... ۱۰
۱-۸-۱	متغیرهای تحقیق..... ۱۳

۱-۹-۱	تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها..... ۱۳
-------	---

فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۱-۱-۲	مقدمه..... ۱۶
۱-۲-۲	بخش اول: مبانی نظری آموزش مهارت های حل مسأله..... ۱۷
۱-۲-۲-۱	تعریف مهارت های حل مسأله..... ۱۷
۱-۲-۲-۲	اهمیت مهارت های حل مسأله..... ۱۸
۱-۲-۲-۳	آموزش فرآیند حل مسأله..... ۱۹
۱-۲-۲-۴	فلسفه مهارت حل مسأله..... ۲۱
۱-۲-۲-۵	مراحل حل مسأله..... ۲۲
۱-۲-۳	بخش دوم: مبانی نظری سبک های تصمیم گیری..... ۲۳
۱-۳-۲	تعریف تصمیم گیری..... ۲۳
۱-۳-۲	فرآیند تصمیم گیری..... ۲۵
۱-۳-۳	انواع سبک تصمیم گیری..... ۲۸
۱-۳-۴	مکانیسم سبک های تصمیم گیری..... ۳۰
۱-۴-۲	بخش سوم: مبانی نظری راهبردهای مقابله ای..... ۳۱
۱-۴-۲-۱	تعریف راهبردهای مقابله ای..... ۳۱
۱-۴-۲-۲	انواع مهارت های مقابله ای..... ۳۳

۳۴	۵-۲-بخش چهارم: مبانی نظری کم توانی ذهنی.....
۳۴	۱-۵-۲-تعریف کم توانی ذهنی.....
۳۵	۲-۵-۲-تعریف انجمن کم توانی ذهنی آمریکا از کم توانی ذهنی.....
۳۵	۳-۵-۲-علل کم توانی ذهنی.....
۳۶	۴-۵-۲-طبقه بندی کم توانی ذهنی.....
۳۷	۵-۵-۲-خانواده و کودک کم توان ذهنی.....
۳۹	۶-۲-پیشینه پژوهش های انجام شده.....
۴۳	۷-۲-جمع بندی پژوهش ها.....

فصل سوم: روش شناسی تحقیق

۴۶	۱-۳-مقدمه.....
۴۶	۲-۳-متغیرهای تحقیق.....
۴۶	۳-۳-روش تحقیق.....
۴۶	۴-۳-ابزار جمع آوری اطلاعات.....
۴۶	۵-۳-جامعه آماری تحقیق.....
۴۷	۶-۳-نمونه آماری.....
۴۷	۷-۳-روش نمونه گیری.....
۴۸	۸-۳-ابزار سنجش.....
۵۰	۹-۳-اعتبار و روایی ابزار تحقیق.....
۵۰	۱-۹-۳-روایی پرسشنامه.....
۵۰	۲-۹-۳-پایایی پرسشنامه.....
۵۱	۱۰-۳-مراحل انجام تحقیق.....
۵۳	۱۱-۳-روش های تجزیه و تحلیل اطلاعات.....

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

۵۶	۱-۴-مقدمه.....
۵۶	۲-۴-بخش تحلیل استنباطی تحقیق.....

فصل پنجم: نتیجه گیری و بحث

۷۴	۱-۵-مقدمه.....
۷۴	۲-۵-نتیجه گیری و بحث.....

۸۳	۳-۵- نتیجه گیری کلی
۸۴	۴-۵- محدودیت های تحقیق
۸۵	۵-۵- پیشنهادهای تحقیق
۸۵	۱-۵-۵- پیشنهادهای کاربردی
۸۵	۲-۵-۵- پیشنهاد های پژوهشی
۸۶	منابع
۹۵	پیوست ها
۱۰۱	چکیده انگلیسی

فهرست جدول ها

عنوان	صفحه
جدول ۱-۱: جدول متغیرهای تحقیق	۱۱
جدول ۱-۴: آماره های مربوط به پیش فرض های آزمون کواریانس	۵۶
جدول ۲-۴: نتایج توصیفی سبک های تصمیم گیری والدین	۵۸
جدول ۳-۴: نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری روی نمرات پس آزمون سبک های تصمیم گیری والدین گروههای آزمایش و کنترل، با کنترل پیش آزمون	۵۸
جدول ۴-۴: نتایج توصیفی راهبردهای مقابله ای والدین	۵۹
جدول ۵-۴: نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری روی نمرات پس آزمون راهبردهای مقابله ای والدین گروههای آزمایش و کنترل، با کنترل پیش آزمون	۵۹
جدول ۶-۴: نتایج توصیفی سبک تصمیم گیری عقلایی	۶۰
جدول ۷-۴: نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری روی نمرات پس آزمون سبک تصمیم گیری عقلایی گروههای آزمایش و کنترل، با کنترل پیش آزمون	۶۰
جدول ۸-۴: نتایج توصیفی سبک تصمیم گیری شهودی	۶۱
جدول ۹-۴: نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری روی نمرات پس آزمون سبک تصمیم گیری شهودی گروههای آزمایش و کنترل، با کنترل پیش آزمون	۶۱
جدول ۱۰-۴: نتایج توصیفی سبک تصمیم گیری وابستگی	۶۲
جدول ۱۱-۴: نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری روی نمرات پس آزمون سبک تصمیم گیری وابستگی گروههای آزمایش و کنترل، با کنترل پیش آزمون	۶۲
جدول ۱۲-۴: نتایج توصیفی سبک تصمیم گیری آنی	۶۳
جدول ۱۳-۴: نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری روی نمرات پس آزمون سبک تصمیم گیری آنی گروههای آزمایش و کنترل، با کنترل پیش آزمون	۶۳
جدول ۱۴-۴: نتایج توصیفی سبک تصمیم گیری اجتنابی	۶۴
جدول ۱۵-۴: نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری روی نمرات پس آزمون سبک تصمیم گیری اجتنابی گروههای آزمایش و کنترل، با کنترل پیش آزمون	۶۴
جدول ۱۶-۴: نتایج توصیفی راهبرد مقابله مستقیم	۶۵
جدول ۱۷-۴: نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری روی نمرات پس آزمون راهبرد مقابله مستقیم گروههای آزمایش و کنترل، با کنترل پیش آزمون	۶۵

- جدول ۴-۱۸: نتایج توصیفی راهبرد فاصله گرفتن..... ۶۶
- جدول ۴-۱۹: نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری روی نمرات پس آزمون راهبرد فاصله گرفتن گروههای آزمایش و کنترل، با کنترل پیش آزمون..... ۶۶
- جدول ۴-۲۰: نتایج توصیفی راهبرد خودکنترلی..... ۶۷
- جدول ۴-۲۱: نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری روی نمرات پس آزمون راهبرد خودکنترلی گروههای آزمایش و کنترل، با کنترل پیش آزمون..... ۶۷
- جدول ۴-۲۲: نتایج توصیفی راهبرد طلب حمایت اجتماعی..... ۶۸
- جدول ۴-۲۳: نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری روی نمرات پس آزمون راهبرد طلب حمایت اجتماعی گروههای آزمایش و کنترل، با کنترل پیش آزمون..... ۶۸
- جدول ۴-۲۴: نتایج توصیفی راهبرد پذیرش مسئولیت..... ۶۹
- جدول ۴-۲۵: نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری روی نمرات پس آزمون راهبرد پذیرش مسئولیت گروههای آزمایش و کنترل، با کنترل پیش آزمون..... ۶۹
- جدول ۴-۲۶: نتایج توصیفی راهبرد اجتنابی..... ۷۰
- جدول ۴-۲۷: نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری روی نمرات پس آزمون راهبرد اجتنابی گروههای آزمایش و کنترل، با کنترل پیش آزمون..... ۷۰
- جدول ۴-۲۸: نتایج توصیفی راهبرد حل مسأله برنامه ریزی شده..... ۷۱
- جدول ۴-۲۹: نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری روی نمرات پس آزمون راهبرد حل مسأله برنامه ریزی شده گروههای آزمایش و کنترل، با کنترل پیش آزمون..... ۷۱
- جدول ۴-۳۰: نتایج توصیفی راهبرد ارزیابی مجدد مثبت..... ۷۲
- جدول ۴-۳۱: نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری روی نمرات پس آزمون راهبرد ارزیابی مجدد مثبت گروههای آزمایش و کنترل، با کنترل پیش آزمون..... ۷۲

فهرست نمودارها

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱۲	نمودار ۱-۱: مدل مفهومی
۲۶	نمودار ۱-۲، فرآیند تصمیم‌گیری

فصل اول:

کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه

هر یک از ما به کرات با مشکلاتی مواجه بوده ایم و تصمیم گرفته ایم که چگونه با آنها مقابله کنیم. بسیاری از اوقات، فرآیند حل مسائل زندگی روزمره به گونه ای خود به خود صورت می گیرد که دقیقاً متوجه چگونگی انجام آن نمی شویم. با این حال باید توجه داشت که بدون توانایی در شناسایی مشکلات و دستیابی به راه حل های کارآمد، زندگی روزانه ما فلج خواهد بود (سعید، ۱۳۸۴).

در طول تاریخ، روان شناسان و فلاسفه به این مطلب پرداختند که یک بخش اساسی از انسان بودن، قابلیت و توانمندی حل مسأله است. مهم ترین ایده ای که از این مطلب منبعت می شود این است که توانایی حل مسأله در توانمندی اجتماعی و سلامت روانی نقش قابل توجهی دارد، چرا که توانایی مقابله و حل و فصل مشکلات استرس آور زندگی روزمره، گویای رابطه ای قوی با کارکرد فردی و اجتماعی شخص می باشد. این توانایی حل مسأله بر توانایی رویاروی با مشکلات در زندگی و تصمیم گیری افراد بسیار تأثیرگذار است. به راهبردهایی که فرد به هنگام مواجهه با تعارض، اضطراب و استرس و در جهت کاهش آن به کار می برد راهبردهای مقابله ای گفته می شود. این راهبردها می توانند کارآمد یا ناکارآمد باشند. انسان در مسیر زندگی خود با انواع مسائل و مراحل مواجه می شود که ناگزیر از تصمیم گیری است. تصمیم گیری نقش گسترده ای در زندگی آدمی دارد. از تصمیم گیریهای جزئی در امور کوچک گرفته، تا تصمیم گیریهای بسیار بزرگ و پراهمیت. برخی از تصمیم گیریها چنان به راحتی صورت می گیرند که شاید ما چندان توجهی به آنها نمی کنیم، اما در مقابل مسائلی نیز در زندگی وجود دارند که اقدام به تصمیم گیری در مورد آنها شاید مدت زمان طولانی وقت لازم داشته باشد. در هر حال اهمیت این تصمیم گیری ها به لحاظ اهمیتی که اکثر آنها در سرنوشت فرد دارند، بسیار زیاد است و چه بسا تعلق در شناخت راههای تصمیم گیری بهتر، عواقب جبران ناپذیری را برای فرد به بار آورد. در این میان افراد از روش ها و سبک های مختلفی برای تصمیم گیری استفاده می کنند. انسان در طول زندگی، پیوسته در حال تصمیم گیری های ساده و پیچیده می باشد. به طور طبیعی هر انتخاب به تناسب پیچیدگی یا سادگی خود، میزانی از تنش و فشار روانی به فرد وارد می کند، لذا داشتن مهارت حل مسأله و مهارت های مقابله ای برای کاهش تنش و احساس رضایت از فرایند تصمیم گیری امری ضروری می باشد (گری و هاپر، ۲۰۰۶).

در این مسیر برای پویایی و زنده ماندن در عرصه علم، باید یادگیری را معنی دار کرد و یکی از این راه ها مهارت حل مسأله می باشد (روشر، کیلستوف و اسکات^۱، ۲۰۰۸). سبک تصمیم گیری افراد بیانگر الگوی عادت است که آنها در هنگام تصمیم گیری مورد استفاده قرار می دهند. به عبارت دیگر سبک تصمیم گیری هر فرد رویکرد شخصیتی او در درک و واکنش به وظیفه تصمیم گیری خود است (تاتوم، ابرلین و کوترابا^۲، ۲۰۰۳).

در نتیجه علاوه بر عوامل سازمانی و محیطی اثرگذار بر سبک تصمیم گیری افراد، تفاوت ویژگی های شخصیتی نیز باعث می شود که افراد نسبت به موقعیت های تصمیم گیری به نحو متفاوت رفتار کنند و در نتیجه سبک تصمیم گیری آنها با یکدیگر متفاوت باشد. هرگونه تغییر در زندگی انسان اعم از خوشایند و ناخوشایند مستلزم نوعی سازگاری مجدد است. روش های مقابله با تغییرات زندگی و تنش های حاصله از این تغییرات در افراد مختلف و بر حسب موقعیت های گوناگون متفاوت است. راهبردهای مقابله ای^۳ مجموعه ای از تلاش های شناختی و رفتاری فرد است که در جهت تعبیر، تفسیر و اصلاح یک وضعیت تنش زا به کار می رود و منجر به کاهش رنج ناشی از آن می شود. دو راهبرد اصلی مقابله عبارتند از: راهبرد مقابله ای هیجان مدار^۴ که شامل کوشش هایی جهت تنظیم پیامدهای هیجانی واقعه تنش زا است و تعادل عاطفی و هیجانی را از طریق کنترل هیجان های حاصله از موقعیت تنش زا حفظ می کند و راهبرد مقابله ای مسأله مدار^۵ شامل اقدامات سازنده فرد در رابطه با شرایط تنش زا است و سعی دارد تا منبع تنیدگی را حذف کرده یا تغییر دهد. سازگاری موفقیت آمیز با فشار روانی، مستلزم استفاده از دامنه وسیعی از راهبردهای مقابله ای از قبیل اراده هیجان ها، تفکر سازنده، تنظیم و هدایت رفتار و عمل روی محیط برای تغییر یا کاهش منبع فشار روانی است. همه این فرایندها در درون سازه مقابله^۶ قرار دارند. شواهد پژوهشی متعدد نشان داده است که سلامت روانی بیشتر تحت تاثیر شیوه مقابله افراد با فشار روانی قرار دارد (فولکمن^۷، ۱۹۸۰ به نقل از لاهمان و یارویس^۸، ۲۰۰۰).

این فصل از پژوهش به بررسی کلیات تحقیق می پردازد. ابتدا مسأله اصلی تحقیق بیان گردید و سپس اهمیت و ضرورت تحقیق مورد بررسی قرار گرفت و در ادامه به هدف های اساسی تحقیق، سوال

1 - Roshter, Kilstoff and Scott.

2 - Tatum, Eberlin and kottraba

3 . Coping strategies

4 . Emotional coping strategy

5 . Problem solving coping strategy

6 . Coping

7 - Folkmann

8 .Lohman and Jarvis

های تحقیق، فرضیه های تحقیق، و مدل تحقیق پرداخته شده و در انتها نیز تعریف واژه ها و اصطلاحات تخصصی تحقیق آورده شده است.

۱-۲- بیان مسأله تحقیق

هر یک از ما به کرات با مشکلاتی مواجه بوده ایم و تصمیم گرفته ایم که چگونه با آنها مقابله کنیم. بسیاری از اوقات، فرآیند حل مسائل زندگی روزمره به گونه ای خود به خود صورت می گیرد که دقیقاً متوجه چگونگی انجام آن نمی شویم. با این حال باید توجه داشت که بدون توانایی در شناسایی مشکلات و دستیابی به راه حل های کارآمد، زندگی روزانه ما فلج خواهد بود (سعید، ۱۳۸۴).

روش حل مسأله فرایندی شناختی- رفتاری با خودکنترلی است که فرد از طریق آن در صدد شناسایی و کشف راه حل های موثر برای مسایل روزمره ای بر می آید که با آنها مواجه گشته است (نزو^۱، ۲۰۰۲). حل مسأله در این بافت در بردارنده فرآیندی است که از آن طریق افراد در صدد جهت دهی تلاش های مقابله ای برای اصلاح ماهیت مشکل زای یک موقعیت یا واکنش هایشان نسبت به آن موقعیت یا هر دو بر می آیند و این بدین معناست که حل مسأله در بردارنده هر دو مولفه هدف های مسأله محور و هیجان محور می باشد (نزو و نزو^۲، ۲۰۰۱).

حل مسأله نوعی از مقابله متمرکز بر مشکل و سازگار است و موجب خط مشی های هدفمندانه خاصی می شود که افراد به وسیله آن مسأله را تعریف کرده و راه حل های مختلف را تولید نموده، تصمیم گیری کرده و یک راه حل را انجام می دهند. آموزش حل مسأله روش درمانی است که بدان طریق فرد می آموزد تا از مجموعه مهارت های شناختی موثر خود برای کنار آمدن با موقعیت های بین فردی مشکل آفرین استفاده کند.

در فرآیند آموزش مهارت های حل مسأله ۵ مرحله وجود دارد که اکثر نظریه پردازان با آن موافقت و این ۵ مرحله شامل: ۱- جهت گیری کلی، ۲- تعریف و صورت بندی مسأله، ۳- ارائه راه حل های بدیل، ۴- تصمیم گیری و ۵- تحقیق و بررسی می باشد.

هر گونه تغییر در زندگی انسان اعم از خوشایند و ناخوشایند مستلزم نوعی سازگاری مجدد است. روش های مقابله با تغییرات زندگی و تنش های حاصل از این تغییرات در افراد مختلف و بر حسب موقعیت ها گوناگون متفاوت است. راهبردهای مقابله ای^۳ مجموعه ای از تلاش های شناختی و رفتاری فرد است که در جهت تعبیر، تفسیر و اصلاح یک وضعیت تنش زا به کار می رود و منجر به

1 - Nezu

2 - Nezu and Nezu

3 - Coping Strategies

کاهش رنج ناشی از آن می شود. دو راهبرد اصلی مقابله عبارت است از: راهبردهای مقابله ای هیجان مدار که شامل کوشش هایی جهت تنظیم پیامدهای هیجانی واقعه تنش زاست و تعادل عاطفی و هیجانی را از طریق کنترل هیجان های حاصله از موقعیت تنش زا حفظ می کنند، و راهبردهای مقابله ای مسأله مدار که شامل اقدامات سازنده فرد در رابطه با شرایط تنش زاست و سعی دارد تا منبع تنیدگی را حذف کرده و یا تغییر دهد (غضنفری و قدم پور، ۱۳۸۷).

همچنین تصمیم گیری و سبک های آن یکی از اجزای اصلی موفقیت می باشد. تصمیم گیری عبارت است از انتخاب یک راهکار از میان گزینه های مختلف. بر طبق این تعریف تصمیم گیری هسته مرکزی بسیاری از برنامه ریزی ها می باشد. بر این اساس نحوه برخورد و واکنش افراد در هنگام مواجهه با شرایط تصمیم گیری بیانگر سبک تصمیم گیری آنها می باشد (هادی زاده و طهرانی، ۱۳۹۰).

طبقه بندی های مختلفی از سبک های تصمیم گیری ارائه شده است و هر کدام از طبقه بندی ها با توجه به اینکه کدام دسته از عوامل فردی، سازمانی و محیطی را بر نحوه واکنش و رفتار افراد در هنگام مواجهه با شرایط تصمیم گیری دخیل می دانند، با یکدیگر متفاوت می باشند. اسکات و بروس^۱ (۱۹۹۵) در تحقیق خود به عوامل فردی بیش از سایر عوامل در انتخاب سبک تصمیم گیری توجه نموده و بر این اساس پنج سبک تصمیم گیری را ارائه نمودند: سبک تصمیم گیری عقلایی، سبک تصمیم گیری شهودی، سبک تصمیم گیری وابستگی، سبک تصمیم گیری آنی و سبک تصمیم گیری اجتنابی.

حل مسأله بخشی از تفکر است. حل مسأله که پیچیده ترین بخش هر عملیات فکری تصور می شود، به عنوان یک روند مهم شناختی تعریف می گردد که محتاج تلفیق و مهار یک سری مهارت های بنیادین و معمولی است (شهبازی و حیدری، ۱۳۹۱). اگر حل مسأله یک فعالیت شناختی است، پس بهبود بخشیدن حل مسأله از طریق آموزش باید هدف ارزشمندی باشد (سمینارا، ۱۹۹۶).

از قدیم والدین و معلمین مشکلات تربیتی و آموزشی کودکان کم توان ذهنی را مورد توجه قرار داده اند. از آنجا که اینگونه کودکان، برای والدین و دستگاههای آموزشی و دیگر مؤسسات اجتماعی همیشه بصورت معمای بوده اند، از قرنهای پیش تحقیقات فراوانی توسط متخصصان و علمای حرفه های مختلف نظیر طب، روانشناسی و آموزش و پرورش در مورد آنان انجام شده است. از مشخصه های کم توانی ذهنی عبارت است از محدودیت های قابل ملاحظه در عملکرد هوشی و در

¹ - Scott and Bruce

² - Seminara

رفتار انطباقی که خودش را در مهارت های مفهومی، اجتماعی و مهارت های انطباقی عملکردی نشان می دهد (کاپلان و سادوک^۱، ۲۰۰۷).

در سال ۱۹۷۱ گلدفرید و زوریلا ضمن مرور نظریه ها و پژوهش های حل مسأله در حیطه های گوناگون روان شناسی مرتبط ترین پژوهش ها، به انتشار یک مقاله ابتدایی در مجله روان شناسی با عنوان «حل مسأله و اصلاح رفتار» پرداختند. در این مقاله، مولفان به پیشنهاد یک الگوی مفهومی در خصوص آموزش حل مسأله با هدف ارتقای توانمندی اجتماعی پرداختند. از نظر آنان مسأله زمانی وجود دارد که در راه دستیابی به یک هدف، برخی موانع فیزیکی یا اجتماعی وجود داشته باشد. روش حل مسأله، فرایندی شناختی- رفتاری با خودکنترلی است که فرد از طریق آن در صدد شناسایی و کشف راه حل های موثر برای مسائل روزمره ای بر می آید که با آن ها مواجه گشته است. حل مسأله در این بافت در بردارنده هر دو مولفه هدف های مسأله محور و هیجان محور می باشد (نزو، ۲۰۰۱).

مهارت حل مسأله یک مهارت حیاتی برای زندگی در عصر حاضر است. امروزه در تمامی فعالیت ها، صاحبان امر به سوی مهارت های تفکر سطح بالا و حل مسأله چه در حیطه عمومی و چه در حیطه فناوری، خواه در فعالیت های طبیعی و خواه در فعالیت های مسأله دار فراخوانده می شوند و در اغلب جوامع همه بر این عقیده اند که باید بر افزایش مهارت های حل مسأله تاکید کرد (ساهو و میسرا^۲، ۱۹۹۵). که به وسیله آن فرد می خواهد راهبردهای موثر و سازش یافته مقابله ای برای مشکلات روزمره را تعیین، کشف یا ابداع کند. تحقیقات زیادی نشان میدهند که کسب مهارت های حل مسأله نقش مهمی در بهداشت روانی و جسمانی ایفا می کنند، مخصوصاً زمانی که افراد با رویدادهای ناگوار و تنیدگی های منفی زندگی مواجه می شوند (نزو، ۱۹۹۰).

در این میان خانواده هایی هستند که دارای فرزند کم توان ذهنی می باشند. از آنجا که این افراد با میزان بالایی از تنش مواجه هستند باید دارای توانایی های بیشتری از مهارت های حل مسأله باشند. مادران در این خانواده ها، روزانه باید تعداد زیادی تصمیم بگیرند. تصمیماتی که به ادامه زندگی فرزندشان مربوط است. بنابراین تصمیم گیری درباره بسیاری از کارهای وی، یک فرایند پیچیده خواهد بود. به علاوه فرزندان دیگر، اطرافیان و خانواده های آن ها انتظار دارند که این مادران، در برخورد با نیازهای آن ها، بهترین تصمیم را بگیرند (آلتون، ۲۰۰۳).

¹ - Kaplan and Sadoock

² - Sahoo and Misra

حال سوال اینجاست که آموزش مهارت های حل مسأله چه تأثیری بر سبک های تصمیم گیری دارد؟ تأثیر آن بر راهبردهای مقابله ای چیست؟ برای پاسخ به این سوال ها و با توجه به اهمیت موضوع، هدف این مطالعه تعیین اثر بخشی آموزش مهارت های حل مسأله بر سبک های تصمیم گیری و تغییر راهبردهای مقابله ای در والدین کودکان کم توان ذهنی می باشد.

۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

انسان در طول زندگی پیوسته در حال تصمیم گیری های ساده و پیچیده می باشد. به طور طبیعی هر انتخاب به تناسب پیچیدگی یا سادگی خود، میزانی از تنش و فشار روانی را به فرد وارد می کند، بنابراین داشتن مهارت حل مسأله و مهارت های مقابله ای برای کاهش تنش و احساس رضایت از فرآیند تصمیم گیری امری ضروری می باشد (گری و هپنر^۱، ۲۰۰۶).

وقوع رویدادهای فشارزا در زندگی افراد مانند داشتن کودک کم توان ذهنی همراه با ناتوانی در مهارت های حل مسأله منجر به راهبردهای مقابله ای غیر موثر شده و نه تنها مشکلات قبلی حل نمی شود، بلکه مشکلات و مسائل جدیدی نیز پیش می آورد (اتکینسون، اتکینسون، هیلگارد^۲، ۱۳۸۰).

از نظر علمی نتایج این تحقیق می تواند برای محققینی که در مورد کارایی مهارت های حل مسأله بخصوص در کودکان کم توان ذهنی کار می کنند، مفید باشد. از نظر کاربردی نیز ضرورت این تحقیق در این است که والدین کودکان کم توان ذهنی همواره باید در مسیر زندگی تصمیم گیری های مهمی انجام دهند و توانایی حل مسأله و راهبردهای مقابله ای در این والدین اهمیت خاصی دارد، بنابراین با آموزش مهارت های حل مسأله شاید بتوان بر توان مقابله ای آنها افزود و بهبود فرآیند تصمیم گیری این والدین را حاصل کرد.

¹ - gray and Hapner

² - Etkinson, Etkinson and Hilgard

۴-۱- هدف های تحقیق

هدف اصلی این تحقیق تعیین اثر بخشی آموزش مهارت حل مسأله بر سبک های تصمیم گیری و تغییر راهبردهای مقابله ای در والدین کودکان کم توان ذهنی می باشد. همچنین این تحقیق هدف های زیر را دنبال می کند:

- تعیین اثر بخشی آموزش مهارت های حل مسأله بر مولفه های سبک های تصمیم گیری.
- تعیین اثر بخشی آموزش مهارت های حل مسأله بر مولفه های راهبردهای مقابله ای.

۵-۱- سوال های تحقیق

- ۱- آیا آموزش مهارت حل مسأله بر سبک تصمیم گیری عقلایی والدین کودکان کم توان ذهنی اثرگذار است؟
- ۲- آیا آموزش مهارت حل مسأله بر سبک تصمیم گیری شهودی والدین کودکان کم توان ذهنی اثرگذار است؟
- ۳- آیا آموزش مهارت حل مسأله بر سبک تصمیم گیری وابستگی والدین کودکان کم توان ذهنی اثرگذار است؟
- ۴- آیا آموزش مهارت حل مسأله بر سبک تصمیم گیری آنی والدین کودکان کم توان ذهنی اثرگذار است؟
- ۵- آیا آموزش مهارت حل مسأله بر سبک تصمیم گیری اجتنابی والدین کودکان کم توان ذهنی اثرگذار است؟
- ۶- آیا آموزش مهارت حل مسأله بر راهبرد مقابله مستقیم والدین کودکان کم توان ذهنی اثرگذار است؟
- ۷- آیا آموزش مهارت حل مسأله بر راهبرد فاصله گرفتن والدین کودکان کم توان ذهنی اثرگذار است؟

۸- آیا آموزش مهارت حل مسأله بر راهبرد خودکنترلی والدین کودکان کم توان ذهنی اثرگذار است؟

۹- آیا آموزش مهارت حل مسأله بر راهبرد طلب حمایت اجتماعی والدین کودکان کم توان ذهنی اثرگذار است؟

۱۰- آیا آموزش مهارت حل مسأله بر راهبرد پذیرش مسئولیت والدین کودکان کم توان ذهنی اثرگذار است؟

۱۱- آیا آموزش مهارت حل مسأله بر راهبرد اجتنابی والدین کودکان کم توان ذهنی اثرگذار است؟

۱۲- آیا آموزش مهارت حل مسأله بر راهبرد حل مسأله برنامه ریزی شده والدین کودکان کم توان ذهنی اثرگذار است؟

۱۳- آیا آموزش مهارت حل مسأله بر راهبرد ارزیابی مجدد مثبت والدین کودکان کم توان ذهنی اثرگذار است؟

۱-۶- فرضیه های تحقیق

۱- آموزش مهارت حل مسأله بر سبک های تصمیم گیری والدین کودکان کم توان ذهنی اثرگذار می باشد.

۲- آموزش مهارت حل مسأله بر تغییر راهبردهای مقابله ای والدین کودکان کم توان ذهنی اثرگذار می باشد.